

اظهارات اخیر سعید جباریان درباره آینده بدون روحانی تکرار استراتژی رقیب‌هراسی در انتخابات‌های اخیر است

تخصص: آینده‌هراسی

علاوه‌بر فرار از عملکرد دولت، بتوان در استراتژی قدیمی عبور و نارضایتی‌ها از امیدهای مجلس جست‌وجو کرد. عملکرد ناموفق مجلسی‌های لیست امید تا آنجا رسیده که محمود صادقی، نماینده تهران، دلیل ضعف‌شان را به پاشنه ورنکشیده رئیس‌شان (عارف) نسبت می‌دهد و امثال صادق زیبا کلام تصریح می‌کنند خیلی از کسانی که سال ۹۴ در انتخابات مجلس شرکت کردند و به تکرار می‌کنم، خانتی لیبیک گفتند، دیگر پای صندوق رأی انتخابات سال ۹۸ حاضر نمی‌شوند؛ دو بار که سهل است حتی اگر آقای خاتمی ۲۰ مرتبه هم بگوید تکرار می‌کنم، آن اتفاق ۹۴ نخواهد افتاد؛ چون میزان سرخوردگی از فراکسیون امید مجلس اگر بیشتر از آقای روحانی نباشد، کمتر نیست. از این رو عبور از روحانی و تأکید بر تئوری بقای متحدان امروزی روحانی به منظور جدایی عملکرد دولت از کارنامه اصلاح‌طلبان از زبان جباریان مطرح شده است تا بلکه در انتخابات آتی، با زست مجاهدت به کمک رقیب‌هراسی، عدم این همانی کارنامه دولت تدبیر و اصلاح‌طلبان را رقم بزنند.

بر همین اساس تئورسین اصلاحات در ادامه بعد از طرح عبور از روحانی، آینده را سیاه ترسیم می‌کند و با توسل به اصطلاح تبلیغاتی و رنگ‌باخته حقوقدان و سرهنگ، از طرفی احتمال جنگ با آمریکا را ترسیم می‌کند و از طرف دیگر تأکید دارد که در انتخابات‌های پیشین گمان می‌رفت تسلط بر قانون، حقوق بین‌الملل و فنون دیپلماتیک حلال مشکلات است، اما اگر کار به جایی برسد که کلیه مراودات حقوقی با غرب بسته شود، طبعاً نبرای نظام پیشگیری از درگیری نظامی به سمت سرهنگ‌ها خواهد رفت. نه تنها عبور بلکه رقیب‌هراسی در بزنگاه‌ها نیز از استراتژی‌های نخ‌نمای اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود...

یک سال از تکرار رای به روحانی، گذشت و دولت تدبیر و امید در حالی به سه سال پایانی خود می‌رسد که سرانجام وعده‌هایش حال و روز خوشی ندارد. حامیان تکراری دیروز، امروز اما بیش از هر چیز نگران آینده و حیات سیاسی خود هستند و سعی دارند با عناوین مختلف راه خود را از دولت جدا کنند. برخی با هشتک #پشیمانیم درصددند هزینه تبلیغات انتخاباتی را از کارنامه خود کم کنند و برخی دیگر اگرچه هشتک‌سازی‌ها را به رقیب نسبت می‌دهند و همچنان به ظاهر کارزار هیاهوهای انتخاباتی را می‌خواهند حفظ کنند، ولی در عین حال با یک چشم ریزش رأی روحانی را در نظر دارند و با چشم دیگر به دنبال جدایی ادامه مسیر از دولت تدبیر و امید هستند. در تازه‌ترین این اظهارنظرها می‌توان به تحلیل‌های سعید جباریان در گفت‌وگوی اخیرش با روزنامه اعتماد اشاره کرد. تئورسین اصلاحات در سراسر گفت‌وگویش اصرار دارد که مسیر دولت دوازدهم را نیمه کاره ترسیم کند و در تمام گزاره‌های تحلیلیش ادامه دولت را منتفی می‌داند. از این رو علاوه‌بر سوق دادن روحانی به استعفا و آنچه که فشار می‌خواند، ابایی ندارد که بگوید یکی از گزینه‌های محتمل برای چند ماه آینده، طرح عدم کفایت روحانی است. جباریان تصریح می‌کند که به نظرش اگر اکثریت مجلس تا پایان سال اوضاع را بحرانی ببینند و نتوانند در برابر فشار مردم تاب بیاورند و به این جمع‌بندی برسند که دولت توانایی حل بحران را ندارد، لاجرم و شاید بنا به بعضی صحبت‌ها موضوع عدم کفایت را مطرح می‌کنند.

اصلاح‌طلبان که خود را مجاهدان انتخابات ریاست جمهوری می‌دانستند، بعد از انتخابات سال ۹۴، رنگ امید به کرسی‌های بهارستان زدند و خود را پیروز مجلس خواندند. حالا اما یک سال و اندی مانده به انتخابات مجلس بعد، تئورسین‌شان در قالب پیش‌بینی، نسخه کلیدخوردن طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور را برای مجلسی‌ها می‌پیچد. شاید ردپای این نسخه‌پیچی را

سردار سازندگی یا عالیجناب سرخیوش

مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و پروژه اعتدال اگرچه در بزنگاه بعد از انتخابات ۸۸، به مدد اصلاح‌طلبان آمد و آنها سال‌ها توهین به ایشان را انکار کردند، ولی در سال‌های نه‌چندان دور مرحوم هاشمی نیز از تیغ تخریب آنها در امان نبود و در لوای اصطلاحاتی چون عالیجناب سرخیوش و پدرخوانده از هیچ توهینی برای تخریب ایشان دریغ نکردند. بررسی مقالات اکبر گنجی، مشتقی از نمونه خوراها توهین است. به‌عنوان مثال، وی در مقاله‌ای با عنوان «فقر و مسکنت نظریه اعتدال» که در روزنامه فتح منتشر شده بود، نوشت: «اگر مشکلات نظریه اعتدال را نادیده بگیریم و فرض کنیم که آن تئوری هیچ نقصان و خللی ندارد، هنوز جای یک پرسش جدی باقی است: آیا عالیجناب سرخیوش با رفتارهایی که تاکنون داشته، مصداق اعتدال است یا اعتدال گراست؟ آیا زبان «تحقیرگر» و «دشمن‌خوان» هاشمی‌رفسنجانی از اعتدال حکایت دارد؟ آیا وقتی هاشمی‌رفسنجانی کابینه خود را غیرسیاسی معرفی کرد و افزود که خود به جای بقیه به‌قدر کافی سیاسی است، از اعتدال خبر می‌داد یا اعتدال را بنا می‌نهاد؟ آیا قتل بیش از ۸۰ نفر از روشنفکران و دگرباشان در مدت صدارت هاشمی نشانه اعتدال است؟ آیا مستثنی کردن هاشمی از قانون انتخابات و قبول آن از طرف هاشمی نشانگر اعتدال است؟ آیا استفاده هاشمی از تربیون نمازجمعه و صدا و سیما برای انتخابات اعتدال را به نمایش می‌گذارد؟»

طالبان یا شیخ‌نور و اعتدال؟

اگرچه این روزها از ناطق‌نوری، به‌عنوان شیخ‌نور و اعتدال در عبارات لیدرهای جناح اصلاح‌طلب نام برده می‌شود، اما در سال ۷۶ زمانی که شیخ‌نور به‌عنوان رقیب روبه‌روی سید عبا شکلاتی قرار گرفت، احتمال تقلب در انتخابات در بوق و کرنا شد و علاوه‌بر آن تخریب و فضا‌سازی علیه ناطق‌نوری به اوج رسید تا آنجا که وی در بخشی از خاطرات خود درباره انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ نوشته است: «جنگ روانی علیه من بسیار شدید بود و متأسفانه کسی هم اینها را پیگیری نکرد. بیشترین تهمت‌ها به من زده شد و انعکاس آن به این صورت بود که دیگران خیلی مظلوم واقع شدند. مثلاً اینکه اگر فلانی نباید، مثل طالبان عمل می‌کند. آنها با تبلیغات خود فرصت فکر کردن و اندیشیدن را از مردم گرفتند که این از مصادیق استعمار فکری است. این را اختناق می‌گویند، این را ضد آزادی است که با بمباران تبلیغاتی جلوی فکر مردم را بگیرند، اصلاً از آنها آزادی فکر را گرفتند و افکار مردم را به یک سو کانالیزه کردند. به قدری علیه من تبلیغ بود که مردم فکر نکردند این آقای ناطق یک‌دفعه و از یک جای ناشناخته نیامده، این همان ناطقی است که مجلس را اداره می‌کند؛ اصلاً کسی در مدیریت ایشان حرف ندارد؛ اگر بنا بود طالبان باشد، در اداره مجلس و در تصویب قوانین و مصوبات شبهه طالبان عمل می‌کرد... همچنین می‌گفتند که اگر ناطق نباید، دانشگاه‌ها و چه کار می‌کند، مانو و روسری را برمی‌دارد و چادر را اجباری می‌کند و امثالهم!»

دیوار کشی از آسانسور تا خیابان!

سال ۸۴، انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیداهای متعددی را دربر داشت؛ علاوه‌بر احمدی‌نژاد، هاشمی‌رفسنجانی، لاریجانی و قالیباف در این انتخابات رقابت می‌کردند و اصلاح‌طلبان چشم‌امیدشان به مصطفی معین بود، اگرچه مهرعلیزاده و کروبی را هم به میدان رقابت فرستاده بودند. اگرچه پای دیوارکشی خیابانی به انتخابات ۹۶ قلم باز شد، اما ریشه این اصطلاح به سال ۸۴ بازمی‌گشت. تبلیغات گسترده علیه کاندیدای رقیب تا آنجا پیش رفت که روزنامه شرق یک روز قبل از انتخابات، انتخاب احمدی‌نژاد و هریک از کاندیداهای غیراصلاح‌طلب را مساوی تخریب خواند. سیاه‌نمایی‌ها تا آنجا پیش رفت که تصریح کردند با انتخاب احمدی‌نژاد باید لباس‌های آستین کوتاه‌تان را برای چهار سال در انبار بگذارید، در کلاس‌های دانشگاه بین زن و مرد پرده کشیده می‌شود، خانم‌ها مجبور به چادر و مردان مجبور به گذاشتن ریش خواهند شدو ...

احمدی‌نژاد در وصف تبلیغات انتخاباتی سال ۸۴ گفته بود: «من دو سال است شهردار تهران هستم، استاندار بودم، استاد دانشگاه بودم، ۱۵، ۱۶ سال مدیر و همراه مردم بودم؛ اما امروز که وارد عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری شدم، یک‌دفعه طرف دو سه روز از بیرون، داخل، شبکه‌ها و عناصر اطلاعاتی از بنده یک دیو هفت‌سر درست کردند. یک دفعه ما قاتل و آدمکش شدیم که اگر این نباید، در پیاده‌روها دیوار می‌کشد، زن‌ها را می‌زند، دست قطع می‌کند. اینها فکر نمی‌کنند این چندین هزار کارمند شهرداری این را می‌فهمند، مشخص است این یک جنگ روانی است و این اصلاً توهین به ملت ایران است و فکر می‌کنم اینها ملت را نشناخته‌اند؛ یعنی مثلاً یک مدیری در شهرداری آمده، یکی گفته آسانسورها را مردانه و زنانه کرده است و آیا شما این خبر را در این دو سال نداشته‌اید؟ شما که تمام خدمات‌من را معکوس جلوه دادید، یک بار از خدمات شهرداری تعریف نکردید. آیا در این دو سال این را نفهمیده بودید؟ آیا این توهین به کارکنان شهرداری نیست؛ یعنی مردم ما نمی‌فهمند! سال ۶۴ تا ۷۲ وزارت کشور دست این آقایان بود. ما با اینها دعوا داشتیم، موتورسوار در خیابان‌ها می‌فرستادند و با کاتر به مو، کتشی و لباس بچه‌های مردم می‌زدند و ما با آنها دعوا داشتیم و همین آقایان مینی‌بوس سر خیابان‌های تهران می‌گذاشتند و سرباز می‌گذاشتند که آرایش‌های خانم‌های مردم را کنترل کنند.»

طالبان در مقابل کلید!

در سال ۹۲ انتخابات به دوقطبی میان انتخاب جنگ یا صلح تبدیل شد. از طرفی جناح اصلاح‌طلب بیم نبرد نظامی می‌داد و از طرفی دیگر ضرورت تعامل با دنیا را گوشزد می‌کرد. اگرچه از ابتدای تبلیغات بازکردن قفل‌ها با نشان دادن کلید، قدری دور از ذهن و شوخی به نظر می‌رسید، ولی کم‌کم هیاهوها و تخریب رقیب حتی کلید را به باورها رساند. اصطلاح سرهنگ در مقابل حقوقدان برای تخریب رقیب از سال ۹۲ وارد ادبیات سیاسی کشور شد. روحانی در مناظره‌های سال ۹۲ تأکید کرد که من سرهنگ نیستم و حقوقدان هستم و از برنامه گازانبری قالیباف سخن گفت؛ اصطلاحی که خیلی زود در رسانه‌ها دستاویز تخریب رقیب شد.

از طرفی دیگر اگرچه طالبان، به تروریست‌هایی خطرناک مشهور هستند، ولی محمود واعظی ۱۷ خرداد ۹۲ در مناظره با علی باقری، رقیب را طالبان خواند و تصریح کرد: «سیاست خارجی آقای جلیلی ما را یاد طالبان می‌اندازد.»

گازانبری که به دیوارکشی رسید

در سال ۹۶ با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی، استراتژی کهنه تخریب و سیاه‌نمایی با سهولت بیشتری دست به دست شد و در همین راستا ترسیم چهره‌ای متضلب و خوشونت‌طلب از رقیب در دستور کار قرار گرفت.

از این‌رو علاوه‌بر سردار گازانبری که در سال ۹۲ امتحان خود را پس داده بود، عباراتی چون لوله کردن، آیت‌ا... قتل عام و دولت پادگانی به چهره رقیبا برچسب زده شد. در همین راستا حمیدرضا جلایی‌پور، جامعه‌شناس و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، ۱۳ فروردین ۹۶ تصریح کرد: «کافی است همین آقای جلیلی باید تا ایران در عرض چهار سال ونزوئلا شود... یعنی دوباره وضعیت معیشتی کشور به‌هم می‌ریزد.» و روحانی نیز همین نسخه را در تبلیغات و سفرهای انتخاباتی به صورت گسترده پیاده کرد. به‌عنوان مثال، حسن روحانی ۱۸ اردیبهشت در سفر به همدان تصریح کرد: «اگر شما جوانان در خانه بنشینید، بدانید که در پیاده‌روهای ما هم دیوار خواهد بود. ملت ما خرداد ۹۲ اعلام کرد که راه حصر و انزوا ی ایران را نمی‌پذیرد. ملت ایران یک‌بار دیگر هم اعلام کرد که مسیرش مسیر آزادی است و آن اسفند ۹۴ بود. اردیبهشت ۹۶ هم یک‌بار دیگر مردم ایران اعلام می‌کنند آنهاپی که در طول ۲۸ سال فقط اعدام و زندان بلد بودند را قبول ندارند.» رئیس‌دولت تدبیر در مناظره انتخاباتی ۲۲ اردیبهشت ۹۶ هم خطاب به قالیباف گفت: «آقای قالیباف! شما همیشه طرحت لوله کردن بود و همیشه می‌گفتید من این دانشجویان را ظرف دو ساعت لوله می‌کنم، اگر جلوی شما را نمی‌گرفتم که امروز دانشگاه‌ها پر از لوله بود!»

روحانی همچنین ۲۵ اردیبهشت در جمع مردم تبریز هم گفت: «دیروز مردم اصفهان و ایران داد زدند و گفتند ما به عقب بازمی‌گردیم. ما روز جمعه هم به پای صندوق رای می‌رویم و می‌گوییم نمی‌خواهیم به سال ۹۰ و ۹۱ برگردیم. برخی‌ها رویشان نمی‌شود بگویند برنامه ما همان برنامه هشت سال قبل است. برادر من! با پمپاژ پول کاری درست نمی‌شود. ما می‌خواهیم در این کشور دروغ نباشد، ولی باز هم دروغ می‌گویند.»

گفت و گو

حسن بهشتی‌پور در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از اما و اگرهای طرح جدید اروپا برای ماندن ایران در برجام می‌گوید

اروپا اصولاً به دنبال درگیر شدن با آمریکا نبوده و نیست

اگر هم مصونیت‌بخش نیست، چرا شرکت‌های کوچک و متوسط باید به واسطه آن برای همکاری با ایران احساس امنیت کنند؟

شرکت‌های بزرگ چندملیتی بوده و بخشی از سرمایه‌گذارهای آنها آمریکایی هستند. در این ارتباط می‌توان ایریاس را مثال زد. این شرکت تمایل زیادی برای همکاری با ایران دارد، ولی بخشی از سهام ایریاس به شرکت‌های بزرگ آمریکایی تعلق دارد، لذا آنها نمی‌توانند خطر سرمایه‌گذاری در ایران را در چنین شرایطی بپذیرند. شرکت‌های کوچک و متوسط از این جهت ریسک‌پذیری دارند که طرف اروپایی می‌تواند برای آنها تأمین ضرر و زیان احتمالی را تضمین کند، ولی وقتی یک شرکت بزرگ چندملیتی باشد، هزینه این ریسک بسیار بالا خواهد بود.

میزان موفقیت این قانون پیش از این تا چه حد بود؟ موفق بود و ما سال‌ها داشتیم با بهره‌گیری از آن با شرکت‌های اروپایی کار می‌کردیم.

موفقیت آنها چگونه بود؟ آیا تحریم‌های یکجانبه هسته‌ای در آن مقطع وجود داشت که این قانون در مقابل آنها کارایی داشته باشد؟

تحریم‌های یکجانبه هسته‌ای آن موقع اصلاً مطرح نبود، پرونده‌سازی هسته‌ای از سال ۲۰۰۱ به بعد مطرح شد. در واقع از این مقطع به بعد قانون انسداد اعمال نمی‌شد، چراکه قطعنامه‌های شورای حکام به آژانس صادر شد و بعد در سال ۲۰۰۶ پرونده ایران به شورای امنیت رفت و به تدریج آمریکا توانست به خاطر رفتار غلط دولت قبل نوعی اجماع جهانی علیه ایران ترتیب دهد.

یعنی این قانون با تحریم‌ها متوقف شد و اکنون قرار است مجدداً به اجرا درآید. تحریم‌ها به یک اقدام بین‌المللی علیه ما مشروعیت داد، منتها بعد از اعتقاد برجام تحریم‌ها به کنار گذاشته شد و ما کار با شرکت‌های مختلف را آغاز کردیم.

یعنی بعد از برجام قانون انسداد اعمال می‌شد؟ خیر، چراکه آمریکا خود راساً قوانینش را در قالب تمدید

روسیه، هند و... را با خود همراه کنند و به این واسطه تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کردند.

یکی از اهداف برجام این بود که عملاً توانست این اجماع جهانی را شکسته و مسیر کشورهایی‌یادشده را تغییر دهد. در چنین شرایطی شرکت‌های بزرگ اروپایی به واسطه داشتن مبادلات گسترده با آمریکا بعید است بتوانند از این قانون استفاده کرده و مبادلات خود با ایران را دنبال کنند. ولی شرکت‌های کوچک و متوسط قاعداً در صورتی که حمایت‌های اروپایی پشت‌شان باشد، خواهند توانست به مبادلات تجاری خود با ایران ادامه دهند. طرح دیگری هم که خود اروپایی‌ها در پیش گرفته‌اند، آن است که پول خرید نفت مستقیماً به حساب بانک مرکزی ایران و با یورو واریز شود تا بتوانند این اقدامات آمریکا را خنثی کنند. اما اینکه تا چه حد شرکت‌ها از تصمیم دولت‌هایشان تبعیت کنند، موضوع دیگری است. این قانون، الزامی برای تجارت شرکت‌ها با ایران ایجاد نمی‌کند و دولت‌های اروپایی صرفاً می‌توانند به این شرکت‌ها تضمین دهند که در صورت داشتن مبادلات اقتصادی با ایران حمایت خواهند شد، اما دولت‌ها نمی‌توانند شرکت‌های خود را مجبور به مبادله با ایران کنند. در حال حاضر تهدیدهایی جدی وجود دارد که شرکت‌های بزرگ از چنین قانونی تبعیت کنند، اما به نظر می‌رسد شرکت‌های کوچک و متوسط از قانون انسداد استقبال کنند. به هر حال آنها منافع اقتصادی‌ای در ایران دارند، مضاف بر اینکه دولت‌های اروپایی می‌دانند که اگر بر سر برجام در مقابل آمریکا کوتاه بیایند، در مقابل خیلی چیزهای دیگر هم مجبور به عقب‌نشینی خواهند شد؛ چیزی که با منافع آنها در تضاد خواهد بود. فضا در حال حاضر به گونه‌ای است که اروپایی‌ها اگر اراده بکنند و به گفته‌های خود نیز عمل کنند، شرکت‌های کوچک و متوسط از تبعات تحریم‌های آمریکا در امان خواهند بود. از همین منظر است که شرکت‌های بزرگی مثل «انی» ایتالیا، «توتال» فرانسه و... فعلاً از ادامه همکاری با ایران نگران هستند.

آیا این قانون مصونیت‌بخش است یا خیر؟ اگر هست چرا شرکت‌های بزرگ مثل شرکت‌های کوچک و متوسط به انکای آن به همکاری تجاری خود با ایران ادامه نمی‌دهند.

بعد از خروج ترامپ از برجام و وعده او مبنی بر تشدید تحریم‌ها علیه ایران، اروپایی‌ها به صرافت افتادند تا در عین خروج آمریکا خیال خود و کاخ سفید را از ماندن ایران در برجام راحت کنند. همین باعث شد اصطلاح «قانون انسداد» برای حفاظت از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های آمریکا در دستور کار قرار گیرد؛ قانونی که البته چیزی حدود دو دهه قبل با هدف حمایت از شرکت‌های اروپایی مقابل قوانین طرف‌زمینی طرف‌های ثالث (به‌طور خاص آمریکا) تصویب شده و حالا قرار است با لحاظ اصلاحاتی بار دیگر به اجرا درآید.

ناظران البته در رابطه با میزان کارآمدی این قانون دیدگاه واحدی ندارند. به‌عنوان نمونه، وال استریت ژورنال در این باره نوشته: «در گذرانی این سازوکار تردید وجود دارد و بیشتر می‌توان آن را سازوکاری نمادین دانست.» در همین ارتباط با دکتر حسن بهشتی‌پور، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل بین‌المللی به گفت‌وگو نشستیم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

شما فکر می‌کنید این قانون چقدر می‌تواند در ترغیب شرکت‌های تجاری اروپا به مبادلات اقتصادی با ایران کارآمد باشد؟ «وال استریت ژورنال» نوشته، در اثرگذاری این سازوکار تردید وجود دارد و بیشتر می‌توان آن را سازوکاری نمادین دانست.

در سال ۱۹۹۶ میلادی در دوره‌ای که سناتور داماتو و یک سناتور دیگر آمریکایی لایحه مشترکی را در مجلس سنای آمریکا تصویب کردند، مبنی‌بر اینکه هر کشوری که با آمریکا مبادله اقتصادی دارد نباید با ایران رابطه تجاری داشته باشد. در آن مقطع البته سقف ۲۰ میلیون دلار مشخص شده بود- از آنجایی که اروپایی‌ها مخالف تصمیم سنا بودند و به این خاطر که قوانین داخلی یک کشور نباید به صحنه بین‌الملل تعمیم داده شود، این کشورها مصوباتی را گذراندند که یکی از آنها همین قانون مسدودسازی بود. این قانون در آن زمان موثر بود و بر این اساس شرکت‌های اروپایی با ایران مبادله می‌کردند و آمریکایی‌ها نیز نتوانستند در ممانعت از آنها کاری از پیش ببرند، ولی از سال ۲۰۰۲ به این سو متأسفانه با پرونده‌سازی هسته‌ای به عمل آمده علیه ایران آمریکایی‌ها نتوانستند اروپایی‌ها، ژاپن، چین،



معافیت‌های ۱۲۰ روزه تعلیق می‌کرد، لذا نیازی به قانون مسدودسازی اروپا نبود. در واقع تحریم‌هایی که آمریکایی‌ها وضع کرده بودند، رئیس‌جمهور این کشور با امضای خود باید آنها را به حالت تعلیق درمی‌آورد؛ اتفاقی که البته این بار نیفتاد و با عدم تمدید تعلیق تحریم‌ها، آمریکا رسماً از برجام خارج شد، لذا اگر آمریکا از برجام خارج نمی‌شد، امروز هم قانون مسدودسازی اروپا موضوعیتی نداشت.

همان طور که مستحضرد، به‌روسازی این قانون همراه شد با تکرار اعلام بایبندی‌ها به برجام از سویی و مواضع تند سران اروپایی علیه برنامه موشکی ایران از سوی دیگر و اظهاراتی نظیر اینکه برجام هرچند توافق خوبی بود، اما به هیچ عنوان کامل نبوده و باید درخصوص برنامه موشکی در منطقه ایران نیز مذاکره صورت گیرد یا اظهاراتی نظیر آنکه اروپا برنامه‌ای برای سرش‌ساخت شدن آمریکا بر سر ایران ندارد. ارزیابی شما از این تقارن زمانی چیست؟ شما فکر می‌کنید اروپایی‌ها نهایت به کدام سمت خواهند رفت و منافع‌شان در گرو همراهی با آمریکا است یا جانب ایران را خواهند گرفت؟

اروپا در موضوع موشکی و آنچه در بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای ایران و نیز حمایت از تروریسم می‌خواند، اختلاف نظری با آمریکا ندارد و سال‌های سال است که با آمریکا همسواست. اروپا اصولاً به دنبال درگیر شدن با آمریکا نبوده و نیست و از این بابت هیچ قولی نیز به ایران

اروپا در موضوع موشکی و آنچه در بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای ایران و نیز حمایت از تروریسم می‌خواند، اختلاف نظری با آمریکا ندارد و سال‌های سال است که با آمریکا همسواست. اروپا اصولاً به دنبال درگیر شدن با آمریکا نبوده و نیست و از این بابت هیچ قولی نیز به ایران